

هند:

# از خواب بیدار میشود

اسلام هندوستان را تکان داد و به آن تحریک بخشید

در شماره های پیش : دورمانی از وضع ناپسندان مذهبی ، فرهنگ ، اقتصادی و اجتماعی هند را در ادوار گذشته دیدیم و چون به علی بن ابی طالب علیه السلام قطع شده بود ، اینک همان مباحث را تحسین میکنیم و چگونگی و لزوم پیشرفت اسلام را در این منطقه مورد بررسی قرار میدهیم .

در آن هنگام که عقائد سحرآمیزی و نظام کهنه حاکم ، همانند تارهای شکست دست و پای مردم شده قاره هند را بسته بود و آنان را در برابر میثونها «خدای بیجان» و «جاندار» ا به پرستش وادار نموده و مقام انسان را حتی از حیوانات پست تر قرار داده بود .

در آن زمانیکه اکثریت مردم این منطقه از حقوق

مکتب اسلام

زین العابدین قربانی

مذووجهاات و بدبختی به سر میرسد . در دست مظان همین عصر در سرزمینهای مجاور این شبه قاره که اسلام در آنها حکومت میکرد بنکته ها ویران میگردد . چهای بیجان و جاندار یکی پس از دیگری شکسته میشد ، آثارشوم نظام طاقانی بر چیده و بر اثری و مساوات همه جانبه در آن مناطق حکمفرما بود و اثری از فقر و جهالت در آن سرزمینها وجود نداشت .

این اخبار ، وسیله مسافران و تجار که همواره به این سرزمینها رفت و آمد داشتند به مردم شبه قاره هند رسید و طبقات محروم و بدبخت این منطقه را تشنه پذیرش دین اسلام میکرد .

اما سبب روشن است : گمانیکه مان بدبختی و بجزایر را محروم و سرحادسیده خان است تقی و محروم است از دین حکومت میکرد و به این آسای محروم بود مردم را در سر نوشت خود آزاد نگذاشت .

از این روز از زمان خلیفه دوم تا زمان اولدین عبدالملک به طور پراکنده اقداماتی برای نجات مردم این منطقه صورت گرفت اما نتیجه کامل حاصل نشد تا آنکه در سال ۸۹ هجری جوان ۱۷ ساله ای به نام محمد بن قاسم از طرف والی عراق با شش هزار

سرباز مجاهد مجهز به ناوگان جنگی ، مأموریت پیدا کرد و مردم این منطقه را از بدبختی برهاند .

این جوان شایسته و با ایمان به سوی «سند» (۱) حرکت کرد شهرهای این منطقه را یکی پس از دیگری فتح کرد تا به شهر «کراچی» که پایتخت سند به شمار میرفت رسید و آنجا را با کمک ناوگان جنگی بگشود و از آنجا به شهر «برون» و «مئتان» ، «یلمان» ، «سرسنه» و «دود مهران» شناخت و در اکثر شهرها مردم به استقبال او آمدند و به او خوش آمد گفتند و تا سال نهم هجری تمام بلاد سند زیر پرچم حکومت مرکزی اسلام درآمد (۲)

ولی در اثر غرورهای و نداشتن کاری حکومت مرکزی محمد بن قاسم از کار برکنار شد و جانشینان بالایی او به تخریجات حاصله اکتفا کردند تا اینکه دوران غر نوبان و غوریان و تیموریان فرارسید .

اینان قلمرو حکومت اسلامی را ناقص هندوستان بسط دادند و به طور کلی تمام امر هندوستان را در دست گرفتند و تا قرن هجدهم که این شبه قاره به دست انگلیسی ها افتاد مسلمین همچنان به نشر آئین اسلام در این منطقه می پرداختند و هم اکنون در حدود ۱۶۰ میلیون نفر از مردم این منطقه (صد میلیون نفر در پاکستان و شصت میلیون نفر در هندوستان) پیرو آئین

(۱) سند یکی از ایالات غربی پاکستان به مساحت ۱۲۰۰۰ کیلومتر مربع که قسمت عمده پاکستان غربی را تشکیل داده مرکز آن: کراچی است (دائرة المعارف حسن عبدمنعم ۵۱۵ - السجده بخش اعلام ص ۲۷۲)

(۲) فتوح البلدان لابن ادریسی ص ۲۳۸ - ۲۴۵ - تاریخ سیاسی اسلام ج ۱ ص ۳۶۸ -

پاکستان نوشته محمود شاکر ص ۱۶ - نگاهی به تاریخ جهان ج ۱ ص ۳۳۹ -

اسلامند (۱) و بیشتر این عده از همان طبقات محروم نظام مفلوک طبقاتی دیروزشبه قاره هندند که در اثر تبلیغات اسلامی و آشنائی با روح اسلام به این آئین گرویده و به آن جذب شده اند (۲)

**آمادگی هند**

«ویل دورانت» مورخ معروف درباره آمادگی هند برای پیشرفت اسلام چنین مینویسد: هندوها چنان بودند که نیروهایشان در شقایقهای داخلی و جنگ تکلف کرده، مذهبی از قبیل مذهب «بودا» و «جین» داشتند و این مذهب آنها را برای انجام تکالیف زندگی نامسوان ساخت، برای محافظت مرزها و پایتختها و ترویج آزادی خود در مقابل «سکه ها»، «هونها»، «افغانیا»؛ «ترکها» که در اطراف مرزهای هند کسب کرده و مستلزم بود وضع داخلی آن بودند تا بتوانند در داخل هند رخنه کنند، از سازمان دادن به قوای ملی خود غفلت کردند.

وضع هند تا مدت چهارصد سال (از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ بعد از میلاد) چنان بود که بیگانه رادعوت به تسخیر میکرد و سرانجام مغزین فرا رسیدند. نخستین حمله مسلمانان یورش زودگذر آنان بر «بلتان» در پنجاب غربی بود یورشهای نظیر آن طی سه قرن بعد بفتح حمله کنندگان صورت گرفت و در نتیجه مسلمانان در دره سند مستقر شدند... ولی فتح حقیقی هند بوسیله مسلمانان تا آمدن نخستین هزاره میلاد مسیح (یعنی تا دوران محمود غزنوی)

**بوقوع پیوست (۳)**

**«جواهر لعل نهرو»** سیاستمدار معروف هند چهره انسرده و خواب آلوده این شبه قاره زاهدنگام ظهور و گسترش اسلام و چگونگی انتشار آن را در این منطقه و آثاری که این آئین در این شبه قاره از خود به جای گذاشته است، چنین نشان می دهد: «هند در آزمان در یک حالت خمودگی و انزوی و روحی سر می برد که تغییر و ترقی در آن وجود نداشت. هند به روشهای کینه و قدیمی خود چسبیده بود و هیچ کوشش نمی کرد که راههای تازه تر و بهتری برای پیشرفت پیدا کند...

مسلمانان خیلی زود حتی در زمان که «هارشا» زنده بود به مرزهای هند رسیدند، آنها مدنی در آنجا متوقف گشتند و بعد ناحیه وسند را تصرف کردند. در سال ۷۱۰ میلادی یک جوان هنده سالا عربی به نام «محمد بن قاسم» که فرمانده سپاه مسلم بود دره سند فاتح گرد و تا حدود «مورتان» در پنجاب غربی رسید. این پیشرفت حمله گستر فتوحات مسلمین در هند بود، شاید اگر کوشش می کردند می توانستند پیشرفت بیشتری هم داشته باشند و این کار در آن زمان که شمال هند در حال ضعف بود چندان دشوار نبود اما هر چند هم که میان مسلمانان فاتح حکمرانان نواحی مجاور و همسایه سند و نواحی رومی میداد کوشش منظمی برای ادامه فتوحات از طرف ایشان صورت نگرفت به این قرار تصرف

(۱) «کتاب انتشار اسلام» ص ۷۷ (۲) الدعوة الی الاسلام ص ۳۲۴

(۳) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۶۶۳

یکی اینکه از راه دستی به هند راه نیافتند و دیگر اینکه دیر به هند رسید.

صدها سال پیش از آنکه محمود غزنوی به هند بتازد ملغان مسلمان در سراسر هند حرکت و سفر میکردند و در همه جا مورد استقبال واقع می شدند آنها با صلح و آرامش به هند می آمدند و موفقیت هم به دست می آوردند، در آن دوران اگر احساس ناگوار و ناموافق هم است به اسلام در هند وجود داشت بسیار ضعیف و ناچیز بود اما بعد محمود با نصب و تشویق دست به هند تاخت و تاروش او که به صورت یک فاتح چپا و اگر و کشتار کننده در هند تاخت و تاز می کرد و خود را مروج اسلام می نامید پیش از هر چیز دیگر به شهرت اسلام در هند آسیب رساند...

**دلیل دیگر** این بود که اسلام دیر به هند رسید و واقع در آن زمان که اسلام به وسیله محمود غزنوی به هند راه یافت و در حدود ۴۰۰ سال از آغازش می گذشت و در این مدت دراز از جهات مختلف ضعیف شده بود و مقدار زیادی از نیروی خلاق و آفریننده اش را از دست داده بود...



در حال اسلام هند را نکان داد و به جامعه ای که ساکن و غیر مترقی شده بود جان و زندگی تازه ای برای پیشرفت و حرکت بخشید. هر هند که به حال انحطاط و ضعف و رکود در...

سند به وسیله مسلمین از نظر سیاسی امر مهمی نبود. ترحامات مسلمانان در هند چند قرن بعد صورت گرفت اما تمایس مسلمانها با مردم هند که از همان زمان شروع شد نتایج فرهنگی و معنوی بزرگی به بار آورده (۱)

وی در کتاب دیگر خود در این باره چنین ادامه میدهد: «هر چند هجوم مسلمانان در هند دنبال شد اما ناساسهای گوناگون میان دنیای اسلامی و هند روبه افزایش بود... این ناساسها و مداخلات فراوان طبعاً موجب می شد که هندها به مذهب جدید اسلام آشنا شوند و به تدریج ملغان مذهبی مسلمان نیز به هند آمدند و به تدریج مذهب جدید در هند پراختند و مورد استقبال واقع شدند. مساجدی در هند ساخته شدند، این امثالها، نه مخالفت دولتها یا مردم هند بر وجه میشد نه هیچ نوع تضادم و برخورد مذهبی به وجود می آورد... بدینکه از اسلام چند قرن پیش از آنکه به صورت یک قدرت سیاسی به هند بیاید، به عنوان یک مذهب به هند راه یافته بوده (۲)

و در نتیجه این می آید: «اسلام از نظر پیشرفت سیاسی و تمدنی، رونق و جوش تازه ای در هند به وجود آورد و نواحی اندامهای همچون یک داری معنوی و نیروی بخشی بود که هند را به نکان آورد و این بود دلیل تورات تک اسلام خیلی کسرا از آن بود که می توانست باشد:

۱- نگاه به تاریخ جهان ج ۱ ص ۲۵۲ - ۳۳۹

۲- کشف هند ج ۱ ص ۳۸۰

گرفت که آثار علمی و هنری آنان هرگز فراموش نخواهد شد و کتابی که به کتابهای «پوست این اندیم» و «کشف الطوبه» و «الثقافة الإسلامية فی الهند» مراجعه نمایند خواهند دید که چه مردانی در این منطقه پرورش یافته و چه آثاری از خود به حسای گذارده‌اند. (۳)

و از لحاظ مبارزات ضد استعماری دنیا هرگز نقش مبارزات مسلمانهای هند و مردانی چون اقبال و جناح و ابوالکلام آزاد و غیره فراموش نخواهد کرد (۴)

ولی باید اعتراف کرد که تجزیه شبه قاره هند به «هندوستان» و «پاکستان» کلامی بود که استعمار تنها کاربر بنیادین بر سر مردم این منطقه گذارد و اگر این ملت یکپارچه فعالیت می‌کرد هم در اثر وحدت و یکپارچگی اسلام بیشتر در همدی و هاشدود می‌کرد و هم از لحاظ سیاسی پیشرفت بیشتری می‌کردند. (۵)

آمده بود در شمال هند تحول یافت هنر تازه و جدیدی پیداشد و رشد یافت کسه می‌توان آنرا هنر هند و اسلامی نامید و از لیبر و حیوات سرشار بود.

معماران و مهندسیین قدیمی ساختمان در هند از افکار تازه‌ای که مسلمانان همراه آوردند الهام گرفتند، خود سادگی اعتقاد و نظر به اسلامی در باره زندگی در هنر معماری و ساختمان آن زمان اثر گذاشت و آرایه طرحهای ساده و زیبا و حاشیهای باستانی بازگرداند. (۱)

آری اسلام ملت هند را که به خواب زمستانی عمیقی فرو رفته بود بیدار کرد و جنبشی علمی و فرهنگی و اجتماعی در آن پدید آورد با آنکه استعمار بریتانیا بسیاری از آثار تمدن اسلامی را در این منطقه از بین برده بود هنوز آثار هنری مسلمین در «تاج محل» و «مناره قطب»، «مسجد سر و ار پده» «مسجد جامع دهلی» و ... به چشم می‌خورد و از شاهکارهای هنر جهان به شمار می‌روند (۲)

اسلام در این شبه قاره دانشمندان برجستگانی تربیت

پشتیبانان اسلام

کتابخانه

- ۱ - نگاهی به تاریخ جهان، ج ۱، ص ۴۵۵ - ۳۹۶ - ۲. مراجعه شونده کتاب تمدن اسلام و عرب ص ۲۲۸ - ۲۴۹
- ۳ - مراجعه شونده کتاب نفوس المسلمون فی الهند نوشته ابوالحسن علی الحسینی القندی ص ۳۵ - ۷۴
- ۴ - مراجعه شونده کتاب «دش مسلمانان در نهوض آزادی هندوستان».
- ۵ - مراجعه شونده کتاب مسلمین جهان ص ۱۷۹

مکتب اسلام